



## تأثیرگزاری کیفیت رابطه استاد و دانشجو در توانایی سازگاری و موفقیت دانشجویان مهندسی\*

احمد ساويز

مشاور، دانشگاه علم و صنعت ایران

### چکیده

هدف از این تحقیق بررسی نقش عواملی مانند صمیمیت، احترام متقابل، الگو بودن، نحوه برخورد، نحوه ارزشیابی و نمره محوری در رابطه استاد و دانشجو در توانایی سازگاری و موفقیت دانشجویان بر اساس دیدگاه‌های دانشجویان است. دانشجویان در ارزیابی خود اهمیت هر یک از این عوامل را تأیید نموده و اکثریت آنان (۷۰٪) نمره را با خودارزشی و احترامی که دانشجو در دانشکده تجربه می‌کند در ارتباط تنگاتنگ دانسته‌اند. بر این مبنا می‌توان پیش بینی نمود که کاهش نمره برای دانشجویان بار روانی قابل ملاحظه ای دارد و با اثرگزاری بر احساس خودارزشی در محیط دانشگاه، بازخورد نامساعدی بر عملکرد تحصیلی ایجاد می‌نماید. در این تحقیق شیوه‌های قابل توصیه به اساتید در خصوص رفتارهای اجتماعی، شامل رعایت عدالت و احساس تعهد و نحوه ارزشیابی و ایجاد زمینه‌های خلأقیّت مشخص شده است.

### مقدمه

دانشجویان از بدو ورود به دانشگاه با چالش‌های متعددی برای سازگار شدن با محیط و سازوکارهای دانشگاه مواجه هستند. یافتن احساس امنیت در محیط جدید، ایجاد نقاط اتصال و تعریف جایگاه خود در محیط جدید، و تبیین هدف معنابخش برای حضور در محیط و برقراری ارتباط با افراد و اجزای محیط بخشی از مراحل سازگاری موفق به شمار می‌روند. در این میان به نظر می‌رسد با توجه به نقش محوری و دائمی استاد، کیفیت رابطه استاد و دانشجو دارای اهمیت فوق العاده‌ای باشد. با این حال تا کنون کمتر در خصوص اهمیت مؤلفه‌های مختلف این رابطه و تأثیرگزاری مستقیم یا غیر مستقیم هر یک در انگیزش و موفقیت علمی دانشجویان نوشته شده است. به نظر می‌رسد اقدام مراکز مشاوره در بهبود این رابطه و برگزاری دوره‌های افزایش مهارت اساتید نیازمند تحلیلی از آثار رفتارهای موجود بین استاد و دانشجو و مشخص کردن رفتارهای سالم در مقابل رفتارهای آسیب‌زا باشد (ساويز، ۱۳۹۰). هدف از این تحقیق زمینه سازی برای چنین اقداماتی است.

در خصوص اهمیت رابطه اساتید و دانشجویان، نتایج تحقیقات نعامی و همکاران قابل توجه است. در این تحقیق رابطه معیاری به نام **فرسودگی تحصیلی** با برخی از عوامل موجود در فضای دانشکده مورد بررسی قرار گرفته است. فرسودگی تحصیلی به شرایطی گفته می‌شود که در آن استرس‌های دائمی مانند نبود منابع درسی، محدودیت‌های زمانی و فشار درس و حجم بالای تکالیف، منجر به نوعی خستگی ذهنی و بی‌تفاوتی نسبت به مطالعه و فعالیت‌های درسی و امتحانی شده باشد. بر اساس این بررسی، از میان چهار عامل دسترسی به منابع، روش تدریس، محتوای دروس و رابطه استاد و دانشجو، عامل رابطه استاد و دانشجو بیشترین نقش را در تبیین فرسودگی تحصیلی دارد. از این رو به نظر می‌رسد دانشکده‌ها بایستی برای ارتقای احترام و صمیمیت در این رابطه بکوشند.

اگر استادی بخواهد از نیروی بزرگ ناشی از همدلی دانشجویان استفاده کند، عموماً خود و آنان را هم‌هدف، یاور، و هم‌رمز یکدیگر در مواجهه با نادانی و مشکلات ناشی از آن تصویر می‌کند. ولی گاهی روش ارتباطی استاد با دانشجویان مبتنی بر لحن منفی است. در چنین مواردی استاد تقریباً به طور دائم در کلاس لحن ناراضی را انتخاب می‌کند. اتخاذ این لحن اگرچه ممکن است در یک دوره موقت برخی از دانشجویان را به درس خواندن سوق دهد اما ضمن کاهش اعتماد به نفس دانشجویان، انتقال انگیزه‌های واقعی، قوی‌تر و ماندگارتر را برای

علم‌آموزی مورد غفلت قرار می‌دهد و در نتیجه نیروهای خلاق آنان را به حرکت در نمی‌آورد. در کنار این مسأله یک فضای انسانی ناسالم به وجود می‌آید که در آن نه تنها رابطه صمیمیت و درک متقابل بین استاد و دانشجو برقرار نشده، بلکه به طور ناخودآگاه نوعی شرایط خاصه را بین استاد و دانشجویان به ذهن متبادر می‌سازد که در آن استاد دائماً در جبهه مقابل قرار دارد و روز امتحان رعب‌انگیز جلوه داده می‌شود. این شیوه برای شکوفایی خلاقیت و توانایی‌های دانشجویان ناکارآمد است و امنیت ذهنی را کاهش می‌دهد.

عوامل مرتبط با استاد به دو حوزه علمی و انسانی قابل تقسیم‌بندی است. عوامل علمی شامل قدرت تدریس، مهارت انتقال مطالب و تسلط علمی استاد هستند. در میان عوامل انسانی بر اساس مشاهده و تجربه عواملی شامل کیفیت رفتار استاد، نمره محوری و میزان تأکید استاد بر امتحان، نشان دادن تعهد و دلسوزی، تواضع و فروتنی، ابراز محبت در کلام و نگاه و توجه به عدالت و رعایت حقوق دانشجویان را برگزیده‌ایم.

در این تحقیق قصد داریم بر اساس نظرسنجی‌ای که به کمک پرسشنامه صورت گرفته است، به ارزیابی مقدماتی برخی از فرضیات زیر بر اساس دیدگاه‌های دانشجویان بپردازیم:

۱- در صمیمیت و احترام متقابل در رابطه استاد و دانشجو، مهارت‌های ارتباط انسانی به اندازه توانمندی علمی و آموزشی نقش و اهمیت دارند.

۲- به علت تک معیار بودن ارزشیابی (یعنی نمره) از سوی استاد، پس از مدتی نمره ارتباط مستقیمی با احساس خودارزشی (ارزشمند بودن خویش) پیدا می‌کند و ناخودآگاه تبدیل به ملاک ارزش و احترام افراد می‌گردد.

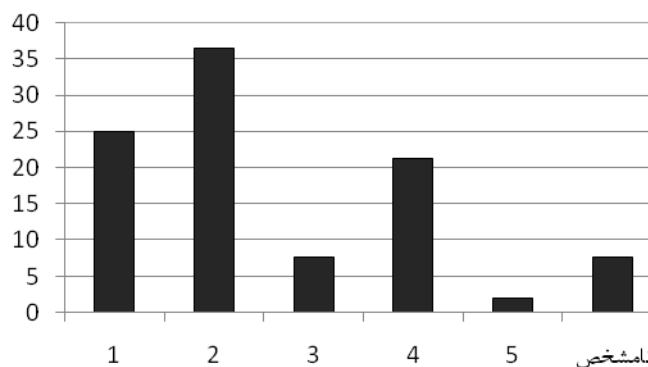
۳- فراهم بودن فرصت برای بروز توانایی‌های منحصر به فرد علمی در دانشجویان و محدود نبودن ارزشیابی به نمرات، با شکل-گیری احساس تعلق خاطر دانشجو به دانشکده و رشد او ارتباط مستقیم دارد.

۴- عمده دانشجویان پذیرای کار علمی جدی توأم با خلاقیت هستند، حتی اگر روش‌های تدریس مبتنی بر تفکر و خلاقیت، سخت‌گیری بیشتری از سوی استاد کار بیشتری را از ناحیه دانشجو طلب کند.

## ۲- روش

پرسشنامه‌ای که برای بررسی اولیه صحت فرضیات طراحی شد در سال ۱۳۹۰ میان جمعی از دانشجویان کارشناسی یکی از دانشکده‌های مهندسی، توزیع گردیده است. تعداد دانشجویان ۵۲ نفر بوده و توزیع سال تحصیلی دانشجویان پاسخ دهنده در شکل (۱) داده شده است.

جمع‌آوری اطلاعات با استفاده از پرسشنامه مندرج در جدول (۱) انجام شده و الزامی به بیان نام برای پاسخ دهندگان وجود نداشته است. در اکثر موارد درصد باقی‌مانده تا صد در مورد هر سوال متناظر با جمعیتی است که به آن سوال پاسخ نداده‌اند.



شکل ۱- توزیع سال تحصیلی دانشجویان شرکت کننده.

### پرسشنامه

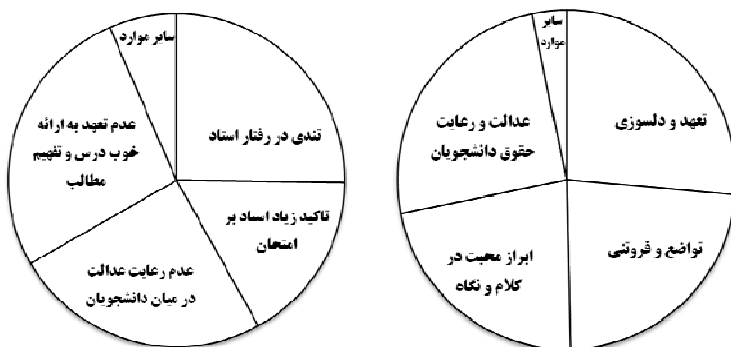
- ۱- به طور میانگین، میزان صمیمیت و گرمای رابطه دانشجو و استاد را در دانشکده چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
 مطلوب  قابل قبول  متوسط  نامطلوب
- ۲- افزایش صمیمیت و همدلی میان استاد و دانشجو را چقدر در انگیزه و رشد علمی دانشجویان موثر می‌دانید؟  
 بسیار زیاد  زیاد  کم  بسیار کم
- ۳- میزان ابراز احترام دانشجویان به اساتید دانشکده را چگونه ارزیابی می‌کنید؟  
 بسیار زیاد  زیاد  کم  بسیار کم
- ۴- به نظر شما چه عواملی باعث کاهش صمیمیت و افت ارتباط قلبی در رابطه استاد و دانشجو می‌شود؟ (میزان اثر را با عددی از ۱ تا ۱۰ نمره دهی نمایید).  
 تندی در رفتار استاد  تاکید زیاد استاد بر امتحان  عدم رعایت عدالت در میان دانشجویان  عدم تعهد به ارائه خوب درس و تفهیم درست مطالب  سایر موارد
- ۵- بر اساس تجربه شما افزایش صمیمیت با چه راه‌هایی امکان‌پذیر می‌شود؟ (میزان اثر هر مورد را با ذکر عددی از ۱ تا ۱۰ نمره دهی نمایید).  
 نشان دادن تعهد و دلسوزی  تواضع و فروتنی  ابراز محبت در کلام و نگاه  عدالت و رعایت حقوق دانشجویان  سایر موارد  
 بخش دوم: وابستگی خودارزشی و احترام شخص به نمره
- ۶- در دانشکده ما نمره دانشجو تا چه اندازه در احساس خودارزشی (یعنی احساس ارزشمند بودن خود) تاثیر می‌گذارد؟  
 بسیار زیاد  زیاد  کم  بسیار کم
- ۷- در دانشکده ما نمره دانشجو تا چه اندازه در عزت و احترامی که او از سایرین دریافت می‌کند موثر است؟  
 بسیار زیاد  زیاد  کم  بسیار کم
- ۸- دانشکده ما چه عرصه‌هایی غیر از نمره امتحانی را برای مطرح کردن توانایی‌های خود (کسب موفقیت و احساس رضایت) مناسب یافته‌اید؟ (عدم پاسخ = عرصه‌ای نیافته ام)  
 (۱) کار در دفتر فرهنگی، انجمن علمی، یا سایر گروه‌های دانشجویی  
 (۲) مسابقات علمی ملی (مانند روباتیک)  
 (۳) با یکی از اساتید بر روی پروژه‌های کار می‌کنم.  
 (۴) سایر موارد (خودتان ذکر کنید)
- ۹- اگر پاسخ شما به سوال قبل گزینه "عرصه‌ای نیافته‌ام" بوده است، علت را در چه می‌دانید؟  
 (۱) عرصه‌های موجود با علائق و استعدادهای من سازگار نیست.  
 (۲) فشار درس و امتحانات مجال پرداختن به عرصه‌های دیگر را به من نمی‌دهد.  
 (۳) گرچه احساس نیاز می‌کردم و وقت هم داشتم اما تا کنون به دنبال آن نرفته‌ام.  
 (۴) احساس نیاز نمی‌کردم.
- ۱۰- شما تا چه اندازه با پیدایش عرصه‌های متنوع‌تر برای کار علمی (غیر از امتحان و نمره) در دانشکده موافق هستید؟  
 بسیار زیاد  زیاد  کم  بسیار کم
- ۱۱- شخصاً کدام یک از موارد زیر را ترجیح می‌دهید؟  
 (۱) دانشکده زمینه را برای کار کم علمی و امتحانات ساده و زودتر تمام شدن دوران تحصیل و اخذ موفق مدرک تحصیلی مهیا نماید.  
 (۲) دانشکده زمینه را برای کار زیاد و سخت علمی، ولی توأم با خلاقیت و به مبارزه‌طلبیدن چالش‌ها، مهیا نماید.

### ۳- نتایج

خلاصه نظرات به دست آمده از دانشجویان در خصوص سوالات (۳-۱) و (۱۱-۶) پرسشنامه در جدول (۱) آمده است. در خصوص سوالات ۴ و ۵ که دانشجویان می‌توانسته‌اند نمره در پاسخ به گزینه‌ها ارائه نمایند، مقایسه نمرات داده شده به گزینه‌ها در شکل (۲) آمده است. در اکثر موارد درصد باقی‌مانده تا صد در مورد هر سوال متناظر با جمعیتی است که به آن سوال پاسخ نداده‌اند.

جدول ۱

سوال	نتایج نظرسنجی			
	۱	۲	۳	۴
۱	۷.۷	۱۵.۴	۴۰.۴	۳۲.۵
۲	۵۷.۶	۴۰.۴	۲	۰
۳	۱۱.۵	۵۲	۲۵	۳.۸
۶	۳۶.۵	۳۸.۵	۵.۸	۱۱.۵
۷	۲۸.۵	۳۲.۷	۱۹.۲	۱.۹
۸	۲۱	۲۵	۳۶.۵	۱۱.۵
۹	۱۱.۱	۴۴.۴	۲۲.۲	۰
۱۰	۸۶	۱۲	۲	۰
۱۱	۱۵	۷۳	۱۲ بی پاسخ	



شکل ۲- پاسخ سوالات ۴ و ۵

#### ۴- بررسی نتایج و نتیجه گیری

یکی از معیارهای مهم در سنجش سلامت فضای انسانی دانشکده، وجود محبت و لطافت در روابط اساتید و دانشجویان است. چنان که از پاسخ به سوال ۱ بر می آید، بیش از ۷۰ درصد دانشجویان کیفیت این رابطه را متوسط یا نامطلوب ارزیابی نموده‌اند. پاسخ سوال ۲ به ما نشان می‌دهد که رابطه استاد و دانشجو کاملاً در انگیزش علمی دانشجویان موثر است. ۹۸ درصد دانشجویان این اثر را زیاد یا بسیار زیاد دانسته‌اند.

در خصوص پارامترهای موثر در سقوط کیفیت رابطه استاد و دانشجو (سوال ۴)، توزیع درصد نمراتی که هر گزینه در مجموع دریافت کرده است، نشان می‌دهد که گزینه‌های مورد آزمون در مجموع مورد تایید دانشجویان بوده‌اند. در این میان عدم تعهد استاد در ارائه درس و عدم رعایت عدالت بیشترین نمره را کسب نموده‌اند. در خصوص عوامل موثر بر ارتقای رابطه استاد و دانشجو (سوال ۵) توزیع درصد نمراتی که هر گزینه در مجموع دریافت کرده است، نشان می‌دهد که گزینه‌های مورد آزمون در مجموع مورد تایید دانشجویان بوده‌اند. در این میان عدم تعهد و دلسوزی استاد و رعایت عدالت و حقوق دانشجویان بیشترین نمره را کسب نموده‌اند. از آنجا که همین دو عامل در سوال ۴ تایید شده بودند، می‌توان دو عامل تعهد و عدالت را تعیین کننده مهمی برای کیفیت رابطه اساتید و دانشجویان دانست.

در خصوص اثر نمره بر احساس خودارزشی دانشجویان در محیط دانشگاه ۷۰ درصد دانشجویان در پاسخ به سوال ۶ گزینه زیاد یا بسیار زیاد را انتخاب کرده‌اند. این نتیجه فرض ما را مبنی بر این که نمره می‌تواند پس از مدتی بر تلقی شخص از ارزش و توانایی‌های خود اثر بگذارد تایید می‌کند. در این حالت اعتماد به نفس دانشجو و احساس کرامت او می‌تواند به نادرستی به نمرات او وابسته شود. کاهش اعتماد به نفس به نوبه خود توانایی او را برای غلبه بر دشواری‌های درس خواندن تقلیل می‌دهد.

از دیدگاه سلامت فضای انسانی، احترام افراد نایستی وابسته به چیزی باشد و همگان بایستی از لطافت و احترامی که بستر مناسب رشد شخصیت را فراهم می‌کند، برخوردار باشند. در صورتی که دانشکده بخواهد بر این عامل غلبه نماید، می‌تواند اساتید را به سوی نگاه پدرا نه یا مادرانه به دانشجویان سوق دهد.

در حدود ۷۰ درصد از دانشجویان در پاسخ به سوال ۷ گزینه زیاد یا بسیار زیاد را انتخاب نموده‌اند. این نتیجه نیز در راستای پاسخ به سوال ۶ بوده، فرضیه ما را مبنی بر این که نمره دانشجو تا حد بالایی در احترام او موثر است، تایید می‌کند.

سوالات ۸ الی ۱۰ در مجموع به بررسی شرایطی اختصاص دارند که نمره تنها عرصه مطرح کردن خود و توانایی‌های خود در دانشگاه باشد. پاسخ به سوال ۸ با فرض (۳) ما، یعنی رابطه بین فرصت‌ها و احساس تعلق خاطر به دانشکده، مرتبط است. کسانی که با عدم پاسخ گزینه "هیچ عرصه‌ای نیافته‌ام" را انتخاب کرده‌اند، در حدود ۴۰ درصد از جمعیت آزمون را تشکیل می‌دهند. در حدود ۳۶ درصد از دانشجویان با یکی از اساتید بر روی پروژه‌های کار می‌کنند که آن را عرصه‌ای مناسب برای بروز توانایی‌های خود یافته‌اند. حدوداً ۵۲ درصد دانشجویان به سوال ۹ پاسخ داده‌اند. بر اساس این پاسخ‌ها، ۴۴ درصد دانشجویان فشار امتحانات و باقی نماندن وقت برای فعالیت‌های دیگر را از جمله موانع و عوامل بازدارنده دانسته‌اند. ۹۲ درصد از دانشجویان به سوال ۱۰ پاسخ داده‌اند که در میان آنان ۸۵ درصد گزینه بسیار زیاد، و بیش از ۱۲ درصد گزینه زیاد را انتخاب کرده‌اند. می‌توان گفت در مجموع ۹۷ درصد دانشجویان خواهان پیدایش عرصه‌های متنوع‌تر برای کار علمی غیر از امتحان و نمره در دانشکده هستند.

نهایتاً بر اساس پاسخ دانشجویان به سوال ۱۱، در مجموع بیش از ۷۰ درصد دانشجویان خواهان کار علمی جدی هستند، هر چند که کار در این حالت سخت و زیاد باشد. این نتیجه فرضیه ما را مبنی بر این که بیشتر دانشجویان مشتاق کار علمی هستند تایید می‌کند و نشان می‌دهد که عمده دانشجویان متمایل به خلاقیت و برخورد با چالش‌های علمی هستند و بر خلاف برخی تصورهای رایج، مایل به باصطلاح "از زیرکار دررفتن" نیستند. آنچه دانشکده بایستی فراهم نماید، آن است که چه در روش‌های تدریس و چه در فرصت‌های جانبی علمی، مجال خلاقیت ایجاد گردد و هیجان‌ات طبیعی و اشتیاق‌های دانشجویان با فعالیت‌های علمی آنان پیوند یابد.

### منابع

- ساویز احمد. (۱۳۹۰). در مسیر پویایی همراه با دانشجویان. مرکز مشاوره دانشگاه علم و صنعت ایران  
نعمی عبدالزهر. (۱۳۸۹). فصلنامه مطالعات روان‌شناختی دوره ۵ شماره ۳ ص ۱۱۷.